

کنترل تولید و توزیع باید در دست خود کارگران باشد!



رژیم سرمایه داری ایران، بدنبال سیاستهای سایدولتهای سرمایه داری، "طرح جدیدی" مبنی بر ادغام کارگران و کارکنان در سطح "مدیریت" کارخانه معرفی کرده است. مهندس رزازی، مدیرعامل شرکت نورد و تولید قطعات فولادی، چندی پیش در دومین سمینار طرح بسیج صنعتی، اعلام کرد که از امسال به موازات طرح بسیج صنعتی، طرح دیگری بنام نظام کنترل کیفیت جامع به اجرا درآمده که مکمل طرح قبلی است. تکیه این طرح در سازماندهی گروه‌های مشخص میباشد که در واقع هریک از این گروهها در قسمتهای مختلف کارخانه نقش مدیریت را ایفا میکنند. با اجرای این طرح چون کیفیت عملکرد بهبود میابد، طبیعتاً کیفیت محصولات تولیدی نیز ارتقاء پیدا میکند. و از آن جا که ارائه پیشنهادات مختلف همکاران و اجرای آنان موجب صرفه جویی در هزینه و زمان کاری می شود، درصدی از میزان صرفه جویی به عنوان تشویق به پیشنهاد دهندگان اهدا میگردد تا انگیزه ای برای استمرار و تداوم آن طرح باشد. مدیریت بر اساس همفکری و مشارکت کارکنان در مسائل مربوط به تولید، پیشرفته ترین نظام مدیریتی در دنیای امروز است. کشورهای چون ژاپن از این شیوه نه تنها در صنایع مختلف، بلکه در تمام شئون اقتصادی و اجتماعی خود، از جمله بانکها سود برده، و به نتایج مطلوبی دست یافته اند.

اولاً این "طرح" جدید مهندس تازه به دوران رسیده رژیم اسلامی، یک حيله قدیمی سرمایه داران است. نه تنها در ژاپن بلکه در آمریکا، اسرائیل و سایر کشورهای اروپایی از آن علیه طبقه کارگر استفاده می شده و میگردد، در واقع در خود ایران نیز در اوائل دهه ۱۳۶۰ تحت عنوان "مشارکت کارگری" مطرح شده بود.

ثانیاً، هدف از چنین طرحی به هیچ وجه ادغام نمایندگان کارگران در "مدیریت" کارخانه نیست. هدف اصلی جلوگیری از مقاومت و مبارزه کارگران علیه اجحافات و زورگویی های مدیران و کارفرمایان است.*

از یکسو، در مقابل اعتصابات کارگری بر علیه مدیران، آنان می توانند اظهار کنند که "سیاست" های ضد کارگری را نمایندگان کارگران در "مدیریت" نپذیرفته اند! و از طرف دیگر از آنجایی که مدیران و کارفرمایان و انجمن های اسلامی (که همواره نقش جاسوسان رژیم را ایفا کرده اند) مورد تنفر کارگران قرار دارند، چند نفری از درون کارگران عادی که تحت عنوان "تشویق" نیز مبلغی را دریافت خواهند کرد. بعنوان "ناظر بر روند تولید" توسط مدیران و نمایندگان رژیم انتخاب میشوند، تا کارهایی را که آنان دیگر قادر

به انجام آنها غیباشند انجام دهند، یعنی نظارت کردن بر نحوه عملکرد کارگران، کند کاری ها و یا حیثاً برنامه ریزی برای توقف و یا اعتصاب، عبارتی دگرمدیران با "اهدا" پول بیشتری خواهند چند کارگر را برای جاسوسی استخدام کنند، و به طرقی دیگر جلوی مبارزات کارگری را بگیرند!

بدیهی است که کارگران آگاه تحت هیچ شرایطی نباید به این قبیل پیشنهادات مزورانه تن در دهند. "همکاری" و "مشارکت" با کسانی که حقوق کارگران را بطور پیگیر پایمال میکنند، جایز نیست. بگذار خود مدیران و جاسوسان اغمن اسلامیشان در مدیریت باشند! کارگران هیچ نفعی با غایندگان سرمایه داران در کارخانه ها ندارند، بخصوص در ایران امروزی که هیچگونه تشکل مستقل برای کارگران و آزادی بیان وجود ندارد و هزاران تن از کارگران پیشرو، به دلیل اختلافات با مدیران کارخانه ها یا در زندان هستند و یا اعدام شده اند!

در برخی از جوامع سرمایه داری که طبقه کارگر از آزادی نسبی برخوردار است و اتحایه های کارگری آزاد هستند و احزاب کارگری امکان فعالیت دارند، پیشنهاد سرمایه داران مبنی بر شرکت در: مدیریت کارخانه را میتوان بعنوان یک تاکتیک مبارزاتی مورد بررسی قرار داد. در جمهوری اسلامی چنین شرایطی مطلقاً وجود ندارد.

مفهوم مدیریت کارگری چیست؟

بدیهی است که کارگران خواهان مدیریت واقعی کارخانه ها هستند. صاحبان و مدیران واقعی یک کارخانه باید همان کسانی باشند در کارخانه ها کار میکنند و بطور مستقیم در امر تولید دست دارند، مدیران واقعی کارخانه ها باید کارگران آنها باشند، کسانی که تولید کنندگان اصلی هستند و چرخهای هر کارخانه ای را به حرکت در می آورند. اما در جوامع سرمایه داری، بخصوص در کشورهای نظیر ایران که در آنها اختناق حاکم است این امر غیر ممکن است، چرا؟

اولاً برای مدیریت کارخانه کارگران باید تجربه کافی داشته باشند، نمی توان از کارگری که سالیان سال با انجام روزی بیش از ۸ ساعت کار استثمار شده برای امرار معاش خود و خانواده اش ورزگار را گذرانده است، یکروزه توقع داشت مدیریت کارخانه را بدست گیرد! حتی پس از تسخیر قدرت و سرنگونی دولت سرمایه داری (دوره انتقال از سرمایه داری به سوسیالیسم) انجام چنین کاری بدون تجربه قبلی عملی نیست- در صورت لزوم و در شرایط خاصی حتی باید، تحت کنترل و نظارت دولت کارگری برای دوره ای مدیران سابق را سر مشاغل شان نگه داشت، تا کارگران تعلیمات لازم را دیده و جایگزین آنان گردند. پس کارگران باید در چارچوب جامعه سرمایه داری بمنظور کسب تجربه برای اداره و مدیریت کارخانه امکانات لازم را فراهم آورند. بدیهی است که این تجربیات را سرمایه داران به کارگران نخواهند داد، تجربه باید از طریق مبارزه حول حق نظارت و کنترل بر کلیه امور کارخانه ها (استخدام و اخراج کارگران، مقدار تولید، قیمت کالاها...) کسب گردد دعوت سرمایه داران از کارگران برای شرکت در "مدیریت" بدون اینکه کارگران تجربه چنین کاری را داشته باشند، عملی است که تنها به کسب تجربه آنها کمکی نمیکند، که عملاً کارگران را تبدیل به اسیرانی در دست مدیران برای بهره برداری در جهت رفع بحران و مسائل آنان در کارخانه میکند.

ثانیا مدیران رژیم سرمایه داری حاضر نخواهند بود که کلیه اطلاعات را در اختیار کارگرانی که با آنان در مدیریت مشارکت می کنند قرار دهند: حسابها، دخل و خرجهها، گزارش ها در مورد کارگران، وامها و سود کارخانه ها، حقوق و پاداشهای مدیران و کارفرمایان و غیره، کلیه این نکات جزو اسرار هستند و قصد آنان مشارکت نیست.

ثالثاً اگر قرار است که کارگران در مدیریت شرکت کنند باید توسط خود کارگران انتخاب شوند و به نسبت مدیران و نمایندگان و رژیم نماینده داشته باشند. مثلاً اگر یک کارخانه ۱۰۰ کارگر و ۱۰ مدیر و کارفرما داشته باشد، باید در هیات مدیریت یک مدیر یا کارفرما و ۱۰ کارگر باشند. در غیر این صورت انتخابات صرفاً مضحکه ای بیش نیست. اگر قرار باشد در هیات مدیران ۳ مدیر و یک کارگر باشد، چگونه میتوان مسائل و مشکلات کارگران را در صورت وجود اختلاف طرح حل و فصل کرد؟

در نتیجه تحت رژیم سرمایه داری مشارکت در مدیریت نه تنها غیر عملی است که منجر به سوء استفاده از کارگران در مدیریت، علیه سایر کارگران خواهد شد اما از سوی دیگر کارگران باید از هم اکنون خود را برای مدیریت کارخانه پس از سرنگونی رژیم آماده کنند. این کار نیز از طریق مبارزه برای احقاق شعار کنترل کارگری عملی است.

مفهوم کنترل کارگری چیست؟

طبقه کارگر باید از قبل خود را برای حکومت آتی پس از سرنگونی رژیم سرمایه داری آماده کند، کارگران باید هم اکنون سازماندهی تولید و توزیع را تجربه کنند. آنان باید اعتماد به نفس پیدا کرده و چرخهای اصلی صنایع را خود به راه اندازند. به بیانی دیگر کارگران باید خود را برای حاکمیت آماده کنند. نخستین گام نیز، اعمال کنترل و نظارت مستقیم بر تولید در سطح هر کارخانه است. در جامعه سرمایه داری، کنترل اکثر امور جامعه در دست طبقه حاکم و دولت آن است. تصمیم اینکه چه چیزهایی تولید شوند و چه کارخانه هایی تأسیس گردند، بر عهده آنان میباشد، تصمیم اینکه چه مقدار تولید شود و چه تعداد کارگر استخدام شوند با آنان است، اینکه قیمتها و شرایط فروش چه باشند به عهده آنان است، تصمیم اینکه کدام کارخانه ها باز باشند و کدام بسته و اینکه ساعات کار و میزان دستمزد کارگران و مدیران کارخانه ها به چه مقدار باشد همه و همه در اختیار سرمایه داران است.

تصمیم بر ارائه امکانات رفاهی، ترفیع، پاداش، اخراج، جریمه، رتبه و غیره در دست آنان است! در واقع سرمایه داران از این کنترل مطلق که بر اوضاع دارند حداکثر استفاده را برای تحقق بخشیدن به اهداف خود که همانا کسب سود هر چه بیشتر از این نوع شیوه تولید است بنفع خود میبرند. کوچکترین کم کاری یا کند کاری و یا اعتصاب منافع آنها را با خطری جدی مواجه میسازد تنفر آنها از کارگران روشنفکر و مبارز و حیلله های آنها در جهت "تشویق" کارگران در مشاورت با آنها به این علل میباشد.

یکی از مبارزات محوری طبقه کارگر در جوامع سرمایه داری، پیکار در راستای کسب کنترل و نظارت بر کلیه امور تولیدی است، کارگران هر کارخانه باید در جریان اسرار معاملاتی سرمایه داران قرار گیرند، کارگران باید بدانند که چه مبلغی در هر کارخانه سرمایه گذاری شده است و وامها از چه سرمایه دارانی و بانکهایی (خارجی و داخلی) اخذ شده اند، کارخانه به چه تعداد کارگر نیاز دارد و چه مقدار دستمزد باید دریافت شود، حقوق مدیران به چه مقدار است و دقیقاً آنها چه وظایفی دارند، دخل و خرج و سود و زیان به چه میزان است و چرا بعضی از کارگران اخراج می شوند و بعضی از آنها ارتقاء رتبه میابند، تولید کالاها به چه میزان باید باشد و به چه مصرفی میرسند.

سرمایه دارن، مدیران، کارفرمایان و نمایندگان رژیم باید کلیه موارد فوق را در اختیار کارگران قرار دهند و هیچگونه اسراری وجود نداشته باشد، اما سرمایه داران کلیه کنترل واقعی تولید و توزیع جامعه را با چنگ و دندان حفظ نموده و هیچگاه بدون مبارزه از سوی کارگران بر علیه ایشان ان را به طبقه کارگر اعطا نمیکنند! از دست دادن کنترل بر تولید اجتماعی برای دولت سرمایه داری به معنای مرگ و نابودی آن دولت است. طبقه کارگر باید قدم به قدم در هر مبارزه و در هر کارخانه بطور پیگیر باید خواست کنترل بر امور کارخانه را طرح کرده، بتدریج و گام به گام قدرت خود را تثبیت کند، مبارزه در جهت اخذ کنترل کارگری، در هر مرحله رویارویی طبقه کارگر با طبقه سرمایه دار را تشدید کرده و راه را برای سرنگونی نهایی دولت سرمایه داری تشکیل جمهوری شورائی کارگران و زحمتکشان هموار میکند.

مازیار روزه (از دفترهای کارگری سوسیالیستی شماره ۵ - تیر ۱۳۷۰)

نشر میلیتانت militaant.com

* رجوع شود به مقاله کنترل کارگری از "آنتونیو گرامشی" <http://militaant.com/?p=8420>